گزارش

نقطه سرخط پوشش

در ادامه بررسی تجربه‌های نظارت بر حجاب، محمدصالح نقره‌کار، وکیل دادگستری و حقوق‌دان، معتقد است سیاست‌گذاری در حوزه عمومی از جمله حجاب، باید براساس ارزش‌های اجتماعی و احترام به حقوق شهروندان شکل بگیرد.

ادامه از صفحه ۸

او در گفت‌وگو با «شرق» با تمرکز بر علم سیاست‌گذاری عمومی توضیح می‌دهد که ارزش‌ها در هر جامعه‌ای نقش محوری دارند و سیاست‌گذاران عمومی باید آنها را مطابق اولویت‌ها و ضرورت‌های عرصه عمومی مدنظر قرار دهند. به گفته نقره‌کار، در ایران سلسله‌ای از ارزش‌های ممدوح اجتماعی در سپهر عمومی وجود دارد که سیاست‌گذاران ملزم به توجه به آنها در چارچوب اصول حکمرانی خوب، اصل سلسله‌مراتب و هدف شایسته مقام عمومی هستند.

نقره‌کار تأکید می‌کند که پوشش و حجاب از دیرباز در ایران به‌عنوان یک ارزش اجتماعی شناخته شده و طی چند قرن گذشته، جلوه‌های مختلف آن چهره شهرها و نسبیت فرهنگی در فضای عمومی کشور را شکل داده است. به گفته او چالش اصلی در این حوزه، امکان شناسایی، اعلام و تضمین تحقق این ارزش‌ها از سوی حکومت است؛ مسئله‌ای که در طول تاریخ، سیاست‌گذاران عمومی و نظریه‌پردازان دولت در ایران با آن مواجه بوده‌اند. گذار بین سنت و مدرنیته این چالش را پیچیده‌تر کرده و محدودیت‌های حکمرانی در ترویج ارزش‌ها و تضمین تحقق آنها را برجسته کرده است.

نقره‌کار تحلیل می‌کند که در ایران دو رویکرد متضاد نسبت به ارزش‌ها وجود دارد: یک رویکرد به‌دنبال حداقل مداخله دولت در شکل‌دهی و تضمین ارزش‌هاست و رویکرد دیگر، جامعه‌محور و شهروندمدار، بر حقوق و تعهدات مردم و امکان نقد و مشارکت آنها تأکید دارد: «این دو رویکرد، چهره مردم‌سالاری و حکومت قانون را در کشور شکل می‌دهند و میزان توانایی دولت در شناسایی، اعلام و تضمین ارزش‌ها را تعیین می‌کنند».

نقره‌کار، همچنین مفهوم شهروندی را ابزاری برای شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و نقش‌های اجتماعی-سیاسی افراد می‌داند: «بر اساس این دیدگاه، اداره جامعه باید مطابق با اصول احترام متقابل و رعایت حقوق دیگران باشد و شهروندان باید در کنار حقوق خود، تعهدات و وظایف اجتماعی خود را نیز بپذیرند. تمامی این حقوق و تعهدات، بر مبنای یک چارچوب عالی ارزشی تعریف می‌شوند که نه‌تنها بر حیات سیاسی، بلکه بر حرمت نفس شهروندان و فرصت‌آفرینی برای آنها استوار است. جامعه‌ای که این اصول را رعایت کند، قادر خواهد بود حوزه وسیعی از شهروندان را در خود جای دهد و تجربه اجتماعی ارزشمند و فراگیر برای افراد رقم بزند».

انتقال ارزش‌های بین نسلی بدون خشونت و تحکم

این حقوق‌دان در ادامه توضیح می‌دهد که بسیاری از مفاهیم بنیادین مانند رواداری، جامعه مدنی، حکومت قانون، دموکراسی و اصل شهروندی در فضای کنونی ایران با نگرش‌های ارزشی پیچیده مواجه شده‌اند. به گفته نقره‌کار، فعالان حوزه خیر عمومی معتقدند مدیریت این ارزش‌ها مستلزم حرکت در مسیر گفت‌وگو و مفاهمه طرفین با جامعه و ایجاد نهادهای بومی مبتنی بر نسبیت فرهنگی است؛ نهادهایی که می‌توانند به صورت روبنایی و زیربنایی، به شیوه‌های عادلانه، عقلانی، واقعی و میدانی ارزش‌ها را در جامعه محقق کنند.

نقره‌کار تأکید می‌کند که واکنش‌ها به مفاهیم شهروندی غالبا جنبه توصیفی و تحلیلی دارد و کمتر به توصیه و تجویز می‌پردازد. او یادآور می‌شود که جامعه امروز ایران، به‌ویژه در شرایط گسست‌ها و تعارض‌های میان نسل‌ها، نیازمند نظمی است که بر قاعده احترام به تکثر استوار باشد و تمام گسل‌هایی که سبب تنش یا تقابل نظام‌های ارزشی نسل‌های مختلف می‌شود، باید تحلیل و واکاوی شود؛ «شهروندان همگی عضو دولت محسوب می‌شوند و از حیث فردی و عمومی تابع قواعد جامعه هستند؛ از سوی دیگر، دولت و حوزه عمومی فراتر از حوزه خصوصی شهروندان عمل کرده و نظامی از ارزش‌ها را در اداره امور عمومی دنبال می‌کنند».

نقره‌کار شهروندی را موقعیتی تعریف می‌کند که عضویت در اجتماع سیاسی، حقوق، وظایف، تعهدات و امکان مشارکت در سرنوشت و سبک زندگی را شامل می‌شود. او اشاره می‌کند که ایران در زمینه حقوق شهروندی یک سیر تکوینی طولانی دارد و صدها اندیشمند و متفکر در این حوزه نظریه‌پردازی کرده‌اند. از نگاه نقره‌کار، شهروندی باید با رعایت تکثر ارزشی و در مسیر منافع جمعی و غیرخصوصی حرکت کند و ساختار دولت‌ها نیز نه به صورت خشک و غیرمنعطف، بلکه پذیرا و هدایتگر در ترویج ارزش‌هایی باشد که به تحقق منافع عمومی کمک می‌کنند.

در خصوص حجاب و سبک پوشش، نقره‌کار به لزوم توجه بر تکثر نسل‌های جدید و سبک‌های متفاوت زیست اجتماعی تأکید می‌کند و می‌گوید جامعه به رواداری حکمت‌بنیان، پذیرش تفاوت‌ها و پرهیز از اصطکاک و خشونت نیاز دارد. به اعتقاد او، انتقال ارزش‌های بین نسلی باید با روش‌های فرهنگی صورت گیرد و از هر شیوه‌ای که به تحقیر، تحکم، دستورالعمل‌سازی یا نگاه از بالا به پایین به شهروندان منجر می‌شود، مطلقا باید پرهیز شود، چراکه چنین رویکردی نتیجه مشخصی ندارد و هزینه‌های فراوان در برابر دستاوردهای اندک به‌همراه خواهد داشت.

گفت‌وگوی «شرق» با هم‌کلاسی‌های دانشجوی فوت‌شده دانشگاه تهران و سایر دانشجویان درباره وضعیت ایمنی آزمایشگاه‌ها

کپسول‌های خطرزا

روایت یکی از دوستان محمدامین کلاته: نصب و تحویل کپسول باید توسط یک تکنسین و با نظارت استاد انجام می‌شد، اما توسط خود دانشجویان از جمله محمدامین کلاته انجام شد؛ امین به مدیران دانشگاه اعلام کرده بود این کپسول باید بسته شود

محمدحسین موسوی: ۱۶ روز از حادثه انفجار کپسول هیدروژن آزمایشگاه دانشکده مواد و متالورژی دانشگاه تهران می‌گذرد؛ انفجاری که «محمدامین کلاته»، دانشجوی نخبه کارشناسی ارشد را به کام مرگ کشاند و باعث بستری‌شدن دو دانشجوی دیگر شد. طبق گفته مسئولان دانشگاه تهران، هنوز علت این حادثه به شکل دقیق مشخص نشده اما گفت‌وگو با دانشجویان نشان می‌دهد این حادثه اتفاقی پیش‌بینی‌پذیر بوده است و ایمنی در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌های مختلف به شکلی بحرانی رعایت نمی‌شود. طبق گفته این دانشجویان، آزمایشگاه‌ها با انواع مشکلات ایمنی، بی‌تفاوتی استادان و استهلاک ابزار و وسایل مواجه هستند. همین‌طور هیچ‌گونه پروتکل و آموزش جدی و اساسی برای حضور در آزمایشگاه‌هایی با انواع مواد و ابزارهای خطرناک وجود ندارد که دانشجویان را از خطرات دور کند. این مسائل، آزمایشگاه‌ها را تبدیل به بمب‌هایی ساعتی کرده؛ مکان‌هایی که هر لحظه با احتمال انفجار و از دست رفتن جان دانشجویان مواجه‌اند. حالا هم معاون پژوهش و فناوری دانشگاه تهران به «شرق» می‌گوید قرار است تمام کپسول‌ها بازبینی شود.

کپسول منفجرشده روز قبل خریده شده بود

«حسین» از دانشجویان فعلی دانشکده مواد و متالورژی است. او قبلا در دانشگاه تربیت مدرس درس خوانده است: «اتفاقی مثل انفجار اخیر یک اتفاق نادر نیست. ما در دانشگاه تربیت مدرس هم انفجار کپسول هیدروژن داشتیم، مسمومیت هم اتفاق افتاده و حتی به‌تازگی انفجار کپسول اکسیژن در خود دانشگاه تهران را شاهد بودیم». او ادامه می‌دهد: «دستگاهی که به‌تازگی منفجر شده، دستگاه ذخیره هیدروژن تولیدی داخل کشور بود و اینکه این دستگاه تست‌های ایمنی را گذرانده یا نه؟ برای خود دانشجویان هم سؤال بود. این دستگاه بارها از طرف افراد مختلفی به کار گرفته شده، چون سال‌هاست که در حال استفاده‌شدن است، اما هیچ‌وقت تست‌های لازم برای بررسی ایمنی آن صورت نگرفته است». «محمدامین کلاته»، دانشجویی که به‌تازگی در انفجار اخیر از دنیا رفته، از هم‌کلاسی‌های «حسین» بود: «امین روی پروژه‌ای درباره ذخیره هیدروژن کار می‌کرد. این ذخیره در اصل برای ایجاد سوخت پاک بوده است. حوالی ساعت دو ظهر صدای انفجار آمد. با موج انفجار بخش‌هایی از سقف، درها و محیط دانشکده تخریب شد». به گفته «حسین»، آزمایشی که «محمدامین» در حال انجامش بود، نیاز به یک همراه داشت که آن فرد «فاطمه کفاش» بود که خودش بر اثر این انفجار مصدوم شد: «کپسولی که دانشجویان در حال کار با آن بودند، روز قبل از حادثه خریده شده بود و تکه‌تکه‌شدن آن تحت تأثیر انفجار بود». او به نقل از دوستانش می‌گوید: «در زمان کار با وجود تسلط امین و خانم کفاش بر دستگاه، مشکل‌داربودن کپسول باعث انفجار شد». به گفته او، این دستگاه باید از طرف یک تکنیسین متخصص به کار گرفته شود، درحالی‌که به علت فقدان چنین تکنیسینی خود دانشجویان مجبور به کار روی این دستگاه برای پروژه‌ها بودند: «دانشگاه مدعی است این دانشجویان دوره دیده بودند، اما هیچ سند یا مدرکی برای این موضوع وجود ندارد».

«محمدامین» قبلا گفته بود باید کپسول بسته شود

این دانشجو ادامه می‌دهد: «درحالی‌که نصب و تحویل کپسول باید از طرف یک تکنیسین و با نظارت استادان از جمله «محمود نیلی» و «حسین شیرازی» انجام می‌شد، از سوی خود دانشجویان از جمله محمدامین کلاته انجام شده بود. امین به مدیران دانشگاه اعلام کرده بود که باید این کپسول بسته شود. حتی در دوران جنگ، خودش کپسول قبلی را با کیسه‌های شن ایمن کرده بود تا انفجار احتمالی موشک، کپسول را منفجر نکند؛ درحالی‌که همه این کارها از طرف مسئولان خود آزمایشگاه دکتر نیلی باید انجام می‌شد». «حسین» از غفلت گروه بررسی ایمنی دانشگاه تهران و استادان درباره آزمایشگاه دانشکده مواد و متالورژی انتقاد می‌کند. «رضا پارسی» از دیگر آسیب‌دیدگان این حادثه بود که در طبقه دیگری حضور داشت، اما موج انفجار به او آسیب زد: «رضا در طبقه دیگری بود اما شدت انفجار به او آسیب رساند. شدت انفجار آن‌قدر زیاد بود که «محمدامین کلاته» و « فاطمه کفاش» از آزمایشگاه به بیرون پرتاب شدند». «حسین» می‌گوید که محمدامین کلاته به علت موافقت‌نکردن دانشگاه با دریافت سنوات ترم هفت، مجبور به انجام این آزمایش پرخطر شد: «محمدامین استرس این را داشت که زودتر درسش را تمام کند تا دانشگاه او را اخراج نکند. این مسئله باعث شد او مجبور به چنین آزمایشی در شرایط خطرناک شود».

هر کپسول، یک بمب

«محمدحسن» دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی در رشته شیمی است. او که بارها در کنار کپسول هیدروژن در آزمایشگاه‌ها کار کرده، درباره حادثه انفجار آزمایشگاه دانشکده مواد و متالورژی دانشگاه تهران به «شرق» می‌گوید: «نگهداری کپسول هیدروژن در بسیاری از مراکز دانشگاهی ممنوع است، زیرا این کپسول به علت سر برنجی خود شبیه به یک بمب است و با هر برخوردی که با آن صورت بگیرد، این کپسول منفجر می‌شود. در ایران هیچ پروتکل مشخصی برای نگهداری و استفاده از این کپسول‌ها وجود ندارد و اغلب براساس تجربه خود استاد، از وقوع حادثه جلوگیری می‌شود». این دانشجو ادامه می‌دهد: «می‌خواستم آزمایشی در آزمایشگاه انجام دهم اما استاد راهنما به من پیشنهاد داد ارزش ندارد جان خودت و هم‌کلاسی‌هایت را به خطر بیندازی و در نهایت به من اجازه انجام آزمایش را نداد». او از تجربه دوستانش که دانشجوی همین رشته در کشورهایی مثل آلمان، استرالیا و سوئیس هستند، می‌گوید: «در کشورهای دیگر اول دوره‌های ایمنی برگزار می‌شود و تا وقتی که فرد در مسائل ایمنی درباره انواع مواد و دستگاه‌ها به تسلط نرسد، اجازه حضور او در آزمایشگاه داده نمی‌شود. برای مثال یکی از دوستان من در اردیبهشت‌ماه به کانادا رفت و دانشجو شد، اما تا همین الان اجازه حضور در آزمایشگاه را ندارد؛ زیرا در دوره‌های ایمنی نمره کامل نگرفته است». این در حالی است که در ایران هیچ‌کدام از این فرایندها و قوانین وجود ندارد یا رعایت نمی‌شود: «در ایران هیچ دوره ایمنی مناسبی نداریم. بیشتر استادان هم به این مسائل مسلط نیستند. ما در دانشکده شیمی خودمان با انواع محلول‌های سمی و مضر در تماسیم، بدون اینکه آموزش درستی دیده باشیم». به گفته این دانشجو، این مسئله در آزمایشگاه‌های تمام دانشگاه‌ها وجود دارد: «در دانشگاه اصفهان دیدم که دانشجوی پست‌دکترا نمی‌دانست یک محلول را اگر بدون در و دستگاه روی میز بگذارد، ممکن است چه فاجعه‌ای پیش بیاید». «محمدحسن» می‌گوید نبود پروتکل و آموزش درست، در کنار مجهزنبودن آزمایشگاه‌ها خطر را بالا برده است: «یکی از دوستان من در استرالیا می‌گفت تهویه آزمایشگاه‌های ما متفاوت و خاص است، زیرا طبق قانون گازهای منتشرشده در آزمایشگاه حتی نباید ثانیه‌ای در فضا بماند. اما در ایران یکی از استادان ما می‌گفت تا سال‌ها، هواکش دوم آزمایشگاه که دود و گازها را از محیط هواکش اول که درون آزمایشگاه است، به بیرون می‌برد، از طرف نیروهای خدمات دانشکده قطع شده بود و هیچ‌کس از این مسئله خبر نداشت».

هیچ آموزشی به دانشجویان داده نمی‌شود

«سارا» در دانشگاه تهران، در رشته‌ای که آزمایشگاه آن به‌تازگی منفجر شده، درس خوانده است؛ یعنی دانشکده مواد و متالورژی. او از تجربه حضور در آزمایشگاه این دانشکده می‌گوید: «بیشتر دستگاه‌ها به‌شدت فرسوده‌اند. به هیچ دانشجویی نیز آموزش ایمنی قبل از ورود به آزمایشگاه داده نمی‌شود و دانشجو باید هنگام کار موارد ایمنی را یاد بگیرد». «سارا» با اشاره به فقدان پروتکل‌های ایمنی در آزمایشگاه از وضعیت نابسامان جابه‌جایی سیلندرهای گاز می‌گوید: «من در دوره‌ای نیاز به استفاده از گاز آرگون داشتم. دانشگاه و مسئول آزمایشگاه به‌جای قبول‌کردن مسئولیت تأمین این گاز، من را که دانشجوی ارشد بودم، مجبور کرد خودم برای پرکردن سیلندر اقدام کنم. من هم به یک شرکت زنگ زدم و سیلندر را پر کرد. تصور کنید که خودم از در دانشگاه این سیلندر خطرناک را تا آزمایشگاه در دستم حمل کردم».

او می‌گوید بخش زیادی از ناایمن‌بودن آزمایشگاه‌ها به دلیل نظارت نداشتن استادان بر آزمایشگاه‌هاست: «بسیاری از استادان دانشکده به دلیل پست‌های مدیریتی‌ای که دارند، در نهایت سالی دو تا سه بار به آزمایشگاه سر بزنند. حتی واحد ایمنی دانشگاه نیز بررسی درستی انجام نمی‌دهد. من در آزمایشگاه دکتر الله‌کرم یک سال بدون هود با اسید کار می‌کردم؛ درست زمانی که دانشجو بودم و خودم به این مسائل و خطرات تسلطی نداشتم، با این حال همان آزمایشگاه، چهار بار مورد بررسی قرار گرفت و هر بار نمره A می‌گرفت».

آموزش سینه به سینه از قدیمی‌ها به جدیدی‌ها

«امیرحسین» تا سال ۱۴۰۱ به عنوان دانشجوی مقطع ارشد رشته مواد و متالورژی دانشگاه تهران، از دانشجویان دکتر عباس زارعی هنزکی بود. او می‌گوید نه استادان نه مسئولان دانشگاه هیچ اهمیتی به موارد مربوط به ایمنی نمی‌دهند: «هر آموزش و نکته‌ای مربوط به ایمنی باشد توسط دانشجویان به صورت سینه به سینه منتقل شده است. استادان و دانشگاه هیچ آموزشی نمی‌دهند. در آزمایشگاه‌ها هیچ بازرسی مرتب و دوره‌ای جز برای اطفای حریق وجود ندارد، حتی کیت کمک‌های اولیه‌ای نیز وجود ندارد». او در دوران دانشجویی خود در سه آزمایشگاه ذیل آزمایشگاه دکتر زارعی کار کرده است: «در آزمایشگاه خواص مکانیکی به علت آموزشی‌بودن آزمایشگاه، هیچ ابزار خطرناک خاصی وجود ندارد و از نظر ایمنی نیز شرایط خوبی دارد. در آزمایشگاه تغییر شکل گرم فلزات، دستگاه تست فشار فلزات که همیشه ممکن است باعث شود تکه‌های فلزی مانند تیر شلیک شوند، هیچ حفاظ یا محیط امنی دور خود ندارد. همین‌طور در این آزمایشگاه که محل کار با اسیدهای قوی است، هواکش سالمی قرار داده نشده است. در آزمایشگاه وایرکات که در همان ساختمانی که منفجر شد قرار داشت، نکات ایمنی به طور کل رعایت نمی‌شود. مسئولان بازرسی نیز با تعامل با استادان بازرسی انجام می‌دهند و ما هیچ‌وقت آنها را ندیدیم، به این آزمایشگاه با وجود اینکه حتی هود سالمی نیز نداشت در دوره ما درجه A ایمنی دادند».

با فندک، نشتی گاز را چک می‌کنیم

ماجرا اما فقط محدود به این دانشگاه نمی‌شود. «سینا» هم دانشجوی شیمی دانشگاه شهید بهشتی است و مانند «محمدحسن» در مقطع ارشد تحصیل می‌کند. او درباره وضعیت آزمایشگاه دانشکده‌شان می‌گوید: «شیرهای گاز در دانشکده ما آن‌قدر قدیمی و خراب هستند که اگر موقع چرخاندن و بازکردن گاز، به دستگیره شیر کمی فشار وارد شود، گاز نشت می‌کند و ما مجبوریم هربار قبل شروع کار نه با وسایل ایمن، بلکه با فندک نشتی گاز را چک کنیم». به گفته او، ابزار و مواد آزمایشگاهی نیز در شرایطی نگهداری می‌شوند که مستعد مسموم‌سازی فضا و اتفاقات خطرناک دیگرند: «محل نگهداری مواد شیمیایی ما ایمن نیست، همه در کمدهایی قدیمی نگهداری می‌شوند، یا زیر هود قرار می‌گیرند و قدرت مکش هود را کم می‌کنند. این در حالی است که بسیاری از مواد و مایعات باید در محیط‌های مخصوص خود نگهداری شوند».

ادامه در صفحه ۱۱

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه تهران: ما تصمیم بسته‌شدن و بازرسی آزمایشگاه‌ها را به خود استادان واگذار کرده‌ایم و از آنها خواسته‌ایم با توجه به موادی که در آزمایشگاه وجود دارد، اعلام کنند که آزمایشگاه خطرناک است یا خیر. اگر استادان اعلام کنند آزمایشگاه خطرناک است، تا زمان بررسی و اعلام پروتکل‌های حفاظتی، آزمایشگاه بسته می‌شود

بازتاب

توضیح درباره یک گزارش

مدیرکل دبیرخانه هیئت مرکزی گزینش وزارت آموزش و پرورش به گزارشی با عنوان «گزینش زیر فشار» که در هشتم مهرماه منتشر شده بود، پاسخ داد. در متن این نامه آمده است: «امر گزینش به معنای اخص (بررسی صلاحیت‌های عمومی) در ابعاد اعتقادی، سیاسی و اخلاقی بر اساس ضوابط و مقررات مصرح در قانون گزینش و آیین‌نامه اجرایی گزینش مصوب مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که ضوابط مندرج در قوانین یادشده به سهولت در دسترس همگان بوده و از طریق مراجع مربوطه از جمله روزنامه رسمی جمهوری انتشار یافته است. بنابراین اطلاق عباراتی مانند «گزینش پیچیده و چندلایه پنهان» در این خصوص به دور از واقعیت است. در گزارش یادشده با خلط مبحث مربوط به فرایند و شرایط عام استخدام و شرایط و ضوابط گزینش به‌معنای خاص، با نتیجه‌گیری مغالطه‌آمیز، نقادی غیرمنصفانه‌ای به فرایند گزینش مصطلح خاص وارد شده است که تفکیک و روشنگری در این زمینه برای تهیه‌کننده گزارش مزبور لازم است. شایان ذکر است در بخش‌هایی از گزارش، اتاق مصاحبه حرفه‌ای با قید اتاق گزینش قلمداد و برخورد ارزیابان حرفه‌ای به اشتباه به گزینش نسبت داده شده است. برابر مقررات پیش‌گفته، افرادی که در گزینش بدوی واجد ضوابط شناخته نمی‌شوند در صورت تمایل می‌توانند نسبت به پژوهش‌خواهی و درخواست تجدیدنظر اقدام کنند. بدیهی است در تجدیدنظر پرونده افراد که در فرصت موسع و با استفاده از ظرفیت افراد جدید و با کاربست روش‌های دقیق صورت می‌گیرد، افرادی که محق تشخیص داده شوند، به جرگه جذب و استخدام برمی‌گردند. لازم به توضیح است در قواعد حقوق عامه نقض رأی در مرحله تجدیدنظر، ناشی از اشتباه در مرحله بدوی نبوده، بلکه قطعی‌نبودن رأی بدوی، ادعای اعتبارنداشتن مستندات، اختیار اعمال اغماض از بعضی شرایط در مراحل تجدیدنظر و تبیین انتظارات، مذاکره ارشادی و... می‌تواند مسیر جذب آنان را فراهم کند که این امر متداول و مرسوم بوده و تصور کثرت فراوانی هفت هزار نفری تأییدشدگان در مراحل تجدیدنظر، ناشی و در مقابل کثرت بالای شرکت‌کنندگان در آزمون استخدامی باید ارزیابی و تصور شود. برابر مفاد ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش مصوب مجلس شورای اسلامی، فرایند برگزاری آزمون عمومی، علمی، تخصصی و فرایند گزینش از یکدیگر منفک و مجزا بوده و فرایندهای یادشده از حیطه اختیارات گزینش خارج است. هیئت مرکزی گزینش وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مرجع عالی گزینش در نظام آموزش و پرورش ضمن نظارت بر جریان بررسی صلاحیت‌های عمومی داوطلبان، راهبرد پرهیز از افراط و تفریط را در صدر برنامه‌های خود قرار داده و به دور از هرگونه حواشی، بر رعایت حقوق عامه فرد و نظام تعلیم و تربیت به صورت توأمان تأکید و همواره در رسیدگی به پرونده‌های داوطلبان، حداکثر توان را در امر رعایت عدالت گزینشی مصروف می‌دارد و اعلام می‌کند در صورت ارائه مصادیق مشخص در این زمینه، رسیدگی دقیق مقدور و میسور خواهد بود».

نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی
(ارزیابی کیفی)

شرکت ملی مناطق نفتخیز

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می باشد.
مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۰۴/۰۱۳۶مربوط به احداث جاده و محل چاه غرب ۰۸۷ جنوب (ب) کارون (پسماند)

الف- شرح مختصر خدمات
انجام عملیات تخریب ،عملیات خاکی ،عملیات بنایی با سنگ،اندود و بندکشی،قالب بندی وچوب بست ، کارهای فولادی ، بتن ریزی ، زیراسلم، اساس و بالاست،نصب علائم و تجهیزات ایمنی ،احداث محوطه چاه ، احداث سلر ، احداث گودال آبگل ، احداث گودال سوخت ، ژئومبرایین ،احداث آبرو و پل بتنی در طول مسیر و جاده دسترسی مد نظر می باشد.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در ۱۰ کیلومتری اهواز و مدت انجام آن ۱۲ماه می باشد.

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۱,۱۰۵,۲۶۲,۵۶۰,۶۸۲ریال وتعدیل پذیر می باشد

د-شرایط مناقصه گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
مناقصه گران دارای حداقل پایه ۴ گرایش راه و ترابری و دارای گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دروز عقد قرارداد.- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،الویت با شرکت های بومی استانی می باشد.-داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۳۹,۲۰۵,۲۵۱,۲۱۴ریال همچنین (۵% مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات می باشد-ارائه یک نسخه تأیید شده از صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی الزامیست. (مبنای پذیرش در خصوص هر گونه گزارش حسابرسی صورت های مالی، بارگذاری گزارش مذکور از طریق سایت جامع حسابداران رسمی ایران (قابل استعلام در وبگاه www.iacpa.ir) یا قابلیت مشاهده در سامانه پردیس می باشد)مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
توجه: ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک های پاسارگاد و سپه قابل پذیرش نمی باشد .

هـ-محل و مهلت دریافت اسناد
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی کیفی)بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران به‌عمل آید.
* مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴
ضمناً می بایستی حداکثر ظرف مدت ۱۴روز مدارک ارزیابی کیفی خود را مطابق با اطلاعات درخواست شده در استعلام ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد بارگذاری نمایند. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ میداردبه مدارکی که شرایط مندرج در متن آگهی و استعلام ارزیابی کیفی را لحاظ ننموده اندترتیب اثر ندهد.
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان واجد الشرایط در مرحله ارزیابی کیفی مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۳:۳۰روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۳۰به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.
همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۳:۳۰روز یکشنبه مورخ۱۴۰۴/۰۹/۳۰اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.

WWW.NISOC.IRhttp://iets.mporg.ir شناسه آگهی :۲۰۲۴۹۶۸
نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ نوبت دوم :۱۴۰۴/۰۷/۲۷

امور حقوقی و قراردادها – مناطق نفتخیز

۴۲۳۰

نوبت اول

«جهت تولید با مشارکت مردم»
آگهی مناقصه عمومی

شرکت برق منطقه ای آذربایجان

شرکت برق منطقه ای آذربایجان در نظر دارد خرید ۳۵ دستگاه ترانسفورماتور قدرت و ۸۰ دستگاه ترانسفورماتور توزیع و لوازم یدکی بصورت دو مرحله ای توام با ارزیابی کیفی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بشماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۱۱۱۹۰۰۰۰۴۷ به آدرس الکترونیکی www .setadiran. ir برگزار نماید. مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ۵۳۹,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بحروف (پانصد و سی و نه میلیارد و دویست و پنجاه میلیون ریال) بصورت ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی بحساب سیبا به شماره IR ۱۱۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۰۶۴۰۷۱۴۴۴۸۰ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بنام شرکت برق منطقه ای آذربایجان

جدول زمانی انجام مناقصه	
شروع فروش اسناد	از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۴/۸/۳
مهلت دریافت اسناد	تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۸/۷
مهلت بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد	تا ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۴/۸/۲۶
بازگشایی پاکات	ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۸/۲۶

جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱
جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایتهای زیر مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۲۳۰ ۳۱۰۷-۰۴۱ تماس حاصل فرمایند.
www.setadiran.ir www.azrec.co.ir www.Iets.mporg.ir www.tavanir.org.ir
شناسه آگهی : ۲۰۲۵۵۵۱
نوبت اول :۱۴۰۴/۰۷/۲۶ نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای آذربایجان

۴۲۲۹